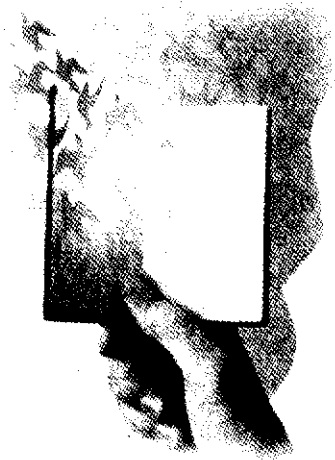




## فروغی از اندیشه‌های سیاسی امام صادق علیه السلام

عبدالکریم پاک نیا



### سخن نخست

بر اساس تفکر الهی - سیاسی شیعه، بعد از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله زمام امور مردم باید در دست یک انسان کامل باشد و سیاست‌های کلی جهان و اداره امور تمام اقوام و ملتها به عهده امام معصومی که از سوی خداوند متعال معین گردیده است سپرده شود. متفکران دوران پیش تشیع بر این باور راستین خود دلائل متعددی دارند که در بسیاری از منابع مورد استناد اهل سنت نیز آمده است. شایستگی امامان اهل بیت علیهم السلام برای این منصب سیاسی و الهی در آیات

تطهیر، اکمال دین، بلاغ، ذوی القربی، مباحله، آیه شرایط امامت (بقره / ۱۲۴)، سوره کوثر و در روایات معتبری همانند حدیث غدیر، حدیث کساء، حدیث مودت، حدیث سفینه، حدیث ثقلین، حدیث منزلت، حدیث لوح و روایات فراوان دیگری مطرح شده است.

طبق این بینش الهی، امام معصوم برترین فردی است که زعامت و حکومت سیاسی امت را بر عهده دارد. او یک انسان کامل، معصوم و فسادناپذیر و واسطه فیض الهی است. همچنانکه در زیارت جامعه در

لذتبخش حکومت اسلامی، کام  
جهانیان را شیرین خواهد کرد.  
در عصر پیشوای ششم شیعیان  
جهان نیز همانند سایر امامان  
معصوم علیهم السلام، زمینه و شرایط حکومت  
فراهم نشد و طواغیت زمان مانع این  
امر خدایی گردیدند. یزید بن  
عبدالملک اموی، سفاح و منصور  
عباسی، حاکمان مستبدی بودند که به  
ناحق منصب حکومت را غصب کرده  
و امت اسلامی را از برکات اندیشه‌ها و  
رهنمودهای امام صادق علیه السلام محروم  
نمودند.

در این فرصت سه برخی از  
اندیشه‌های امام صادق علیه السلام در عرصه  
حکومت و سیاست می‌پردازیم:  
**توجه به زمینه‌های حکومت**

پیشوای صادق شیعیان بر این باور  
بود که قبل از تشکیل حکومت، باید  
زمینه‌های آن را فراهم کرد و نیروها و  
ساز و کار لازم را مهیا نمود. داشتن  
نیروهای معتقد و جان برکف و  
مدیران شایسته و کارزادان و دلسوز و

۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، نشر  
جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۹.

اوصاف آن عزیزان می‌خوانیم: «قَادَةُ  
الْأَمَمِ وَأَوْلِيَاءُ النَّعْمِ وَعَنَاصِرُ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمُ  
الْأَخْيَارِ وَسَاسَةُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ؛ [درود  
بر شما امامان اهل بیت علیهم السلام که]  
پیشوایان امته‌ها و صاحبان نعمتها و  
سرآمد نیکوکاران، استوانه‌های خوبان،  
بهترین سیاستمداران برای بندگان و  
ستونهای سرزمینها هستید.»

امام الگویی تعالی و تکامل  
انسانها، و مدیری قابل اعتماد برای  
انجام دستورات شرعی است که علاوه  
بر ولایت تشریعی، دارای ولایت  
تکوینی نیز می‌باشد.

البته گرچه بعد از حکومت و  
رهبری رسول خدا صلی الله علیه و آله - به جز مدت  
اندکی - زمینه برای حکومت آن  
بزرگواران میسر نشد و موانع و  
مشکلات زیادی سد راه آنان گردید،  
ولی این تفکر عمیق، الهی و حق  
مدارانه همچنان پویا و زنده توسط  
امامان معصوم علیهم السلام در میان انبوه  
نظریات سیاسی می‌درخشد و روزی  
که آخرین حجت الهی ظهور کند، به  
صورت کامل و واضح در سرتاسر  
گیتی عملی خواهد شد، و طعم

معتقد به مبانی حکومت، قبل از تشکیل دولت امیری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه اگر رئیس حکومت به هر کسی اعتماد کند و منصبی را بدون اینکه به اندیشه‌هایش آگاه باشد، به وی بسپارد، قطعاً در کوتاه مدت اقتدار خود را از دست داده و شکست خواهد خورد.

به این جهت امام ششم به دنبال فراهم کردن زمینه و نیروهای فداکار و مؤمن بود. گزارش مأمون رقی، یکی از دلائل این اندیشه آن حضرت می‌باشد. او می‌گوید: روزی در محضر امام صادق علیه السلام بودم که سهل بن حسین خراسانی وارد شد، او بعد از سلام نشست و به امام گفت: ای پسر رسول خدا! شما تا کی با رحمت و رأفت و مدارا با حاکمان غاصب رفتار خواهید کرد، حکومت و رهبری جامعه حق شما اهل بیت است، با وجود صد هزار شیعه شمشیر به دست که همه به فرمان شما هستند چرا قیام نمی‌کنید و حکومت تشکیل نمی‌دهید؟ چه مانعی در کار است؟

بنشین.

سپس به دستور امام خدمتکار تنور را روشن کرد و آتش در آن شعله کشید، سپس فرمود: ای خراسانی! بلند شو و در داخل تنور بنشین.

در این هنگام سهل خراسانی به التماس افتاد و عرضه داشت: آقای من! ای پسر رسول خدا! مرا در آتش نسوزان، مرا ببخش و معذورم دار. امام فرمود: بخشیدم.

در این هنگام هارون مکی - یکی از یاران فداکار امام صادق علیه السلام - وارد شد. او در حالی که کفشهایش را در دست داشت به امام سلام کرد. امام بعد از پاسخ سلام فرمود: کفشهایت را به زمین بگذار و برو در داخل تنور بنشین! او نیز کفشهایش را به زمین گزارده و به داخل تنور رفت و در آتش نشست. در این فاصله، امام با مرد خراسانی از حوادث و وقایع خراسان صحبت می‌کرد و آنچنان با اطلاع حرف می‌زد که گویی حضرت در خراسان بوده است.

بعد از مدتی امام به سهل خراسانی فرمود: ای خراسانی! برو به

امام علیه السلام فرمود: ای خراسانی!

داخل تنور نگاه کن! او وقتی نگاه کرد، دید هارون مکی در تنور و در داخل شعله‌های آتش چهار زانو نشسته است، سپس با سلامتی کامل از آنجا بیرون آمد و به امام سلام کرد.

امام از سهل پرسید: در خراسان چند نفر مثل این مرد وجود دارد. او گفت: به خدا سوگند حتی یک نفر این طوری پیدا نمی‌شود. امام فرمود: آری به خدا سوگند حتی یک نفر! سپس ادامه داد: «أَمَا إِنَّا لَا نُخْرِجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةَ مُعَاوِدِينَ لَنَا، نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ؛<sup>۱</sup> پس بدان، ما در عصری قیام نمی‌کنیم که حداقل پنج نفر یار [حقیقی] نداشته باشیم. خود زمان [تشکیل حکومت] را بهتر می‌دانیم.»

سدیر صیرفی یکی دیگر از یاران امام صادق علیه السلام است. او روزی به حضور امام آمده و عرضه داشت: چرا شما با این همه یار و شیعه و هوادار نشسته‌اید و در اندیشه تشکیل حکومت نیستید؟ به خدا سوگند، اگر امیر مؤمنان علی علیه السلام این همه طرفدار داشت، کسی در حکومت‌اش طمع نمی‌کرد! امام علیه السلام فرمود: ای سدیر! به

نظر تو یاوران ما در این عصر چند نفرند؟ سدیر گفت: صد هزار نفر. - صد هزار نفر؟

- بلکه دویست هزار نفر؟ حتی بیشتر؛ نصف مردم دنیا شما را می‌خواهند و دوستان دارند.

امام سکوت کرد و حرفی نزد. بعد از اندکی فرمود: می‌خواهی با هم به ینبع برویم؟ سدیر امام را در مسیر ینبع همراهی کرد. در وسط راه، جوانی تعدادی بزغاله می‌چرانید، امام با اشاره به آنان فرمود: «وَاللَّهِ يَا سَدِيرُ لَوْ كَانَ لِي شَيْعَةٌ بِعَدَدِ هَذِهِ الْجِذَاءِ مَا وَسِعَنِي الْقُقُودُ؛<sup>۲</sup> ای سدیر! به خدا سوگند، اگر شیعیان [راستین] من به تعداد این بزغاله‌ها بودند، در خانه نشستن برایم روان بود.» سدیر وقتی بزغاله‌ها را شمرد، هفده رأس بودند.

### تقیه و تشکیلات مخفی

بهره‌گیری از مبارزه مخفیانه، یکی از شیوه‌های سیاسی امامان

۱. المناقب، محمد بن شهر آشوب مازندرانی، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۲۳۷.  
 ۲. الکافی، کلینی، ج ۲، باب قلة عدد المؤمنین، ح ۴.

معصوم علیه السلام بوده است؛ زیرا فضای بسته سیاسی و استبداد و اختناق، به آنان اجازه فعالیت آشکار را نمی‌داد. پیشوای ششم نیز برای حفظ یاران خود از گزند خلفای جور، به مبارزات پنهانی و تقیه روی آورده بود. امام علیه السلام به طور اکید یارانش را به تقیه و پنهان کاری سفارش می‌کرد. آن حضرت می‌فرمود: «إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛» نه دهم دین در تقیه است و هر کس تقیه نکند، دین ندارد.<sup>۱</sup> آن حضرت از تقیه حضرت یوسف، حضرت ابراهیم و اصحاب کهف مثال می‌زد و به معلی بن خنیس - که تا حد جان از اهل بیت علیهم السلام دفاع کرد و جانش را فدا نمود - فرمود: «يَا مُعَلَّى أُنْكُمُ أَمْرُنَا وَلَا تُدْعُهُ؛ أَيُّ مَعْلَى! امر ما را پوشیده بدار و آن را افشا نکن.»

آری این شیوه سیاسی امام علیه السلام در عصر خویش، بهترین راهکار پاسداری از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام بود؛ چرا که جان آن حضرت و یارانش در معرض خطر قرار داشت و جاسوسان حکومت، قدم به قدم آنان را تعقیب می‌کردند.

محمد اسقنطوری یکی از وزیران منصور دوانقی و از پیروان امام صادق علیه السلام بود. او می‌گوید: روزی منصور را متفکر و اندوهناک دیدم، وقتی علت را پرسیدم، گفت: من بیش از هزار نفر از فرزندان فاطمه زهرا را کشته‌ام، اما پیشوا و رهبر آنان را زنده نگه داشته‌ام. گفتم: منظور تان کیست؟ او گفت: جعفر بن محمد صادق، من می‌دانم که تو به امامت او اعتقاد داری، در حقیقت او امام من، تو و همه مردم است؛ اما من چاره‌ای جز کشتن او ندارم. این اسقنطوری می‌گوید: با شنیدن این جمله از شدت اندوه و ناراحتی، دنیا برایم تیره و تار شد و تمام غمهای عالم بر سینه‌ام نشست.<sup>۲</sup>

منصور بارها تلاش کرده بود که آن حضرت را به شهادت برساند اما موفق نشده بود، زیرا آن حضرت هرگز با او و حکومتش همکاری نمی‌کرد و یاران خود را نیز از همکاری باز

۱. الکافی، باب التقیه، ح ۲.

۲. همان، باب الکتمان، ح ۷.

۳. الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، مؤسسه انصاریان، قم، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۰.

ابزار لازم برایش فراهم نبود و اختناق حاکم بر شهرهای اسلامی، هر نوع فعالیت علنی سیاسی را از آن گرامی سلب کرده بود و امام هر نوع حرکت سیاسی علنی را در راستای نابودی شیعه می دانست؛ اما در عین حال از تأیید قیامهای آزادی خواهانه و ضد استبدادی - که با اهداف انسانی و مقاصد الهی انجام می شد - نیز دریغ نمی کرد. حمایت آن حضرت از قیام زید بن علی و انقلاب محمد نفس زکیه در همین راستا بود.

امام در این مورد می فرمود: «لَأُزَالَ وَشِبَعَتِي بِخَيْرٍ مَا خَرَجَ الْخَارِجِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَوْ دِدْتُ أَنَّ الْخَارِجِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَعَلَيَّ نَفَقَةٌ عِيَالِهِ»<sup>۱</sup> تا هنگامی از آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کسی قیام کند، من و شیعیانم در آسایش هستیم و دوست داریم از ما آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کسی قیام کند، و [در این صورت] مخارج خانواده اش را من تعهد نمایم.»

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ علاوه بر تأییدات معنوی، با کمکهای مادی

می داشت؛ مگر افراد نادری که بتوانند در خدمت به شیعیان توفیق یابند. آن حضرت گرچه حکومت ظاهری نداشت، اما با شیوه ای که انتخاب کرده بود، هم اهداف متعالی خود را در راه نشر معارف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عملی می ساخت و هم توطئه ها و بهانه های دشمنان را ناکام می گذاشت و یارانش را از خطر رها می ساخت.

آن بسزرگوار با حفظ جایگاه اجتماعی خویش به عنوان یک مخالف مقتدر حکومت مطرح بود و خلفای ستمگر از آن حضرت هراس داشتند. در هر صورت این راهکار سیاسی پیشوای ششم عَلَيْهِ السَّلَامُ سبب شده بود که آن حضرت با موضع گیریهای مناسب و بجا در مقابل بحرانها و حوادث سیاسی از جایگاه برتری برخوردار باشد و مخالفین آن حضرت نتوانند کوچک ترین سوء استفاده ای انجام دهند.

### تأیید قیامهای حق طلبانه

امام جعفر بن محمد صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گرچه خود عملاً دست به قیام علیه حکمرانان مستبد نمی زد، زیرا زمینه و

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷۲.

خویش نیز قیام‌کنندگان را یاری می‌کرد. به عنوان نمونه، آن حضرت به ابن سیابه هزار دینار تحویل داد تا در میان بازماندگان شهدای نهضت زید بن علی تقسیم کند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در تأیید این حرکت‌های سیاسی، بر ماهیت الهی آنان اصرار داشت و در آغاز قیام محمد نفس زکیه پسر عبدالله محض - نوه امام مجتبی علیه السلام و نوه دختری امام حسین علیه السلام - به پدرش فرمود: «إِنْ كُنْتُ إِكْمًا تُرِيدُ أَنْ تُخْرِجَهُ غَضَبًا لِلَّهِ وَ لِأَمْرٍ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّا وَاللَّهِ لَأَنْدَعُكَ وَأَنْتَ شَيْخُنَا وَبُيُوعِ ابْنِكَ فِي هَذَا الْأَمْرِ؛<sup>۲</sup> اگر می‌خواهی پسر ت را خدا و برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کند، به خدا قسم ما تو را تنها نمی‌گذاریم، تو بزرگ <sup>۳</sup> مایی و با پسر ت در این راه بیعت می‌کنیم.»

### مبارزه با دگراندیشان

آن گرامی مهم‌ترین برنامه خود را در رهبری امت، گسترش و نشر اعتقادات خود و معارف ناب اهل بیت علیهم السلام - که همه برگرفته از کلام وحی بودند - قرار داده بود؛ به این

جهت با هر گونه افکار انحرافی به مبارزه برمی‌خاست و با رهبران گروه‌هایی که آن افکار را داشتند برخورد می‌کرد.

حضرت از راه مناظره، خطابه، و تربیت شاگردان ممتاز، س‌د راه دگراندیشان و منحرفین بود. صوفیه یکی از گروه‌هایی بودند که بر اثر کج فهمی و ذهنیت نادرستی که از اسلام داشتند، به بیراهه می‌رفتند. امام در یکی از مناظراتش با سفیان ثوری - که از رهبران برجسته صوفیه بود - خطاهایش را بر او گوشزد کرده و در فرصتی مناسب چهره ریاکارانه ابوهاشم کوفی صوفی را بر ملا ساخت و فرمود: او اعتقادات فاسدی دارد و مذهب تصوف را به خاطر پوشش برای باورهای غلط خود و حفظ موقعیتش اختراع نموده است.<sup>۴</sup>

آن حضرت دانشمندان و عالمان دین را به عنوان مرز داران اعتقادی

۱. همان، ص ۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۸۷.

۳. از نظر سن و سال.

۴. خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۲۸۵.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمودند: «إِنَّ لَنَا دَوْلَةً بِجَبْرِ اللَّهِ بِهَا إِذَا شَاءَ؛<sup>۱</sup> ما دولتی داریم که خداوند هر زمان که اراده کند، آن را خواهد آورد.» و می فرمود: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَنَتَّظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ؛<sup>۲</sup> هر کس دوست دارد که از یاران قائم باشد، به انتظار بنشیند و به ورع [و پرهیزکاری] و زیباییهای اخلاقی عمل کند.»

سدیر صیرفی اشتیاق آن حضرت را به عصر ظهور و تشکیل دولت جهانی مهدوی علیه السلام این چنین گزارش کرده است: یک روز، من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان ابن تغلب به حضور مولایمان حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شدیم و مشاهده کردیم که امام بر روی خاک نشسته و لباسی ساده پوشیده و همانند مادرِ فرزند از دست داده ناله می زدند. آثار اندوه در تمام وجودش رخنه کرده و گونه هایش را

مردم معرفی کرده، وظیفه آنان را پاسداری از مرزهای فرهنگی و عقیدتی اهل ایمان از تهاجم لشکریان شیطان قلمداد می کند و می فرماید: «عُلَمَاءُ شِبَعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَعَفَارِطَهُ؛<sup>۱</sup> علمای شیعه ما مرزبان مرزهایی هستند که ابلیس و عوامل او از آن وارد می شوند.»

### انتظار حکومت جهانی

ظهور امام زمان علیه السلام در آخر الزمان، یکی از وعده های مهم الهی، و بشارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است. این اندیشه والای معنوی و انسانی از صدر اسلام تاکنون مورد توجه مسلمانان، به ویژه شیعیان بوده و مشتاقان عدالت و حق طلبان عالم همواره به انتظار آن عصر زیبا و مطلوب نشسته اند. مدیریت صحیح جهان در هنگام حکومت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم یکی از اندیشه های سیاسی اهل بیت است که امام صادق علیه السلام نیز بارها به آن تصریح کرده و به علاقه مندان مژده داده و اعتقاد و انتظار تشکیل حکومت جهانی آن حضرت را یکی از ارکان دین اعلام کرده است.

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷.

۲. غیبت نعمانی، محمد بن ابراهیم نعمانی،

مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق، ص ۲۰۰.

۳. همان.



## آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بستم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب نموده است

و غیبت، طول عمر، آزمایش اهل ایمان در آن زمان و شک و تردید عده‌ای از آنان، نگرستم که اندوهی شدید و رقتی عمیق بر من عارض شد و طولانی شدن غیبت و تأخیر آن دولت پایدار، مرا به شدت تحت تأثیر قرار داد.<sup>۱</sup>



۱. اکمال الدین، شیخ صدوق، نشر مسجد جمکران، قم ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۳۳.

دگرگون نموده و قطرات اشک پهنای صورتش را فرا گرفته بود. آن حضرت با این حال زار می‌زد و می‌فرمود:

«سَيِّدِي! غَيْبَتُكَ نَفَثَ رُقَادِي وَ ضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي وَ أَسْرَتْ مِنِّي رَاحَةَ فُوَادِي، سَيِّدِي! غَيْبَتُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْآبِدِ وَ فَقَدْتُ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ يُفْنِي الْجَمْعَ وَالْعَدَدَ؛ آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بستم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب نموده است. ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده و فقدان یکی پس از دیگری، جمع و تعداد را نابود می‌کند.»

سدير می‌گوید: امام با اشک و ناله از غیبت حضرت مهدی علیه السلام می‌گفت. وقتی چنین حالتی را از آن حضرت دیدیم، خیلی منقلب شدیم و با تمام وجود تحت تأثیر حالات و سخنان امام علیه السلام قرار گرفتیم. امام وقتی با پرسشهای ما مواجه شد، فرمود: صبح امروز در کتاب جفر می‌نگریستم، و آن کتابی است که علم منایا و بلایا و مصائب بزرگ و علم گذشته و آینده تا روز قیامت را در بر دارد. به فصل میلاد